



عضو سابق شورای شهر با بررسی عملکرد یک ساله مدیریت شهری تهران عنوان کرد

خدمات عمرانی و اجتماعی در حد هیچ

صفحه ۴



تیتربهای امروز

ایهام در ادامه فعالیت شهر دار تهران و بی‌ثباتی در مدیریت شهر، خبر از احتمال تجربه‌ای مجدد می‌دهد

تکرار شورای اول!



برگزاری هفتمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات حمید باقری درمی

پوست کلفت: چوب اشتباهاتم را خورده‌ام

کارگردان مستند «یک انتخابات طنزیم شده» در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

طنز نباید مشکلات جدی را لوث کند

برگزاری نخستین جلسه پارلمان جدید عراق

اعلام موجودیت ۲ فرانسویون اکثریت

دیدگاه

شیخ یتصبی و تحریف تاریخ

کمال لطفی

باز هم انتشار نامی منتسب به مهدی کروبی و تکرار تبدیل شدن این نام به تیترب نخست رسانه‌هایی که روزگاری این فرد را به جرم مسؤولیت داشتن در نظام اسلامی بی‌محابا تحقیر و تخریب می‌کردند! اما بهانه انتشار این نام این بار برگزاری اجلاس هیه خبرگان در روزهای آینده و مکتوب کردن ادعاهایی از جنس ادعای تاریخی مهدی کروبی در سال ۸۲ بود! در آن زمان پس از آنکه مهدی کروبی از راهبایی به دور دوم انتخابات بازماند، باران امروز خود در جناح اصلاحات را که مسؤول برگزاری نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری بودند، متهم به دستکاری در انتخابات و ممانعت از رقابت وی با مرحوم هاشمی‌رفسنجانی کرد؛ ادعایی که با واکش تند رئیس‌جمهور وقت و دیگر وزرای دولت اصلاحات مواجه شد. هر چند ادبیات سخیف این نام که عقده‌های سرر باز کرده نویسنده او شاید نویسنده‌گان! را نشان می‌دهد، ارزش پاسخگویی ندارد اما در این مجال به بررسی بخش‌هایی از آن می‌پردازیم تا آنان که احتمالا نام را خوانده‌اند پیش از پیش با شخصیتی که امروز اینگونه حقیرانه به ملعبه دست عده‌ای برای تسویه‌حساب با مردم و نظام اسلامی تبدیل شده، آشنا شوند.

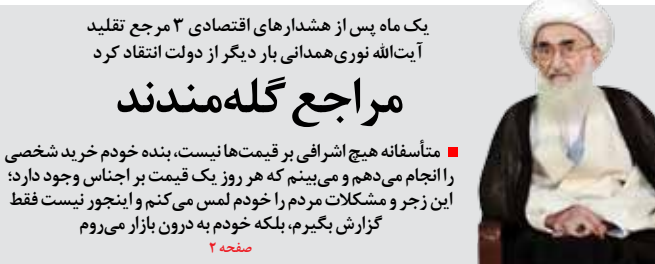
جدا از اینکه این چه حصر جالبی است که از آن نام و بیانیه می‌دهند و درباره مسائل روز هم اظهارنظر می‌کنند که در این مجال قصد پرداختن به مقوله «هتل سیاسی حصر» را نداریم، کمتر کسی است که نام تاریخی مهدی کروبی به همراه حجج اسلام سیدحمید روحانی و امام‌جمارانی به پیش آقای منتظری در پهن ماه ۶۷ را خوانده باشد. نامه‌ای که بنا بر گفته نویسنده‌گان پس از مدت‌ها صبر و تحمل رفتارهای غیرعقلانی و ضدانقلابی قائم‌مقام مغرول خطاب به وی نگاشته شد. مهدی کروبی آن روز حسینعلی منتظری را به دلیل تکرار ادعاها و سخنان گروه‌های ضدانقلاب همچون نهضت آزادی، لیبرال‌ها، انجمن حجتیه و امثالهم علیه انقلاب اسلامی مورد شماتت قرار داده و نوشته بود: «آیا خدا راضی است که با اینگونه سخنان، برای رادیوهای بیگانه و ضد انقلاب خوراک تهیه کنید و اصل نظام اسلامی را زیر سوال ببرید؟»

قیمت دلار در بازار ثانویه کاهش و در بازار آزاد به طرز عجیبی افزایش یافت

بازار ارز روی اعصاب

- نرخ دلار در بازار ثانویه کمتر از ۷۷۴۸ و در بازار آزاد تا ۱۳۸۰۰ تومان معامله شد
- سکه هم دیروز با افزایش قیمت ۵۰۰ هزار تومانی، ۴/۵ میلیون تومان را رد کرد
- فهرست کالاهای اساسی با ارز دولتی ۱۰۰ تایی شد
- قیمت‌گذاری خودرو در شورای رقابت به تعویق افتاد

بازار ارز و سکه این روزها وضعیت گیج‌کننده و مسترهای پیدا کرده است؛ در حالی که ارز در بازار ثانویه در حال کاهش است، در بازار آزاد گران می‌شود. نکته اساسی این است که نرخ سکه با نرخ بازار آزاد قیمت‌گذاری می‌شود نه بازار ثانویه. به گزارش «وطن‌امروز»، همتی، رئیس کل بانک مرکزی در آخرین اظهارات خود حجم ارز مبادله شده در بازار آزاد را فقط ۳ درصد اعلام کرد و گفت ۹۷ درصد مبادلات ارزی در بازار ثانویه انجام



یک ماه پس از هشدارهای اقتصادی ۳ مرجع تقلید آیت‌الله نوری‌همدانی بار دیگر از دولت انتقاد کرد

مراجع گله‌مندند

- متأسفانه هیچ اشرافی بر قیمت‌ها نیست، بنده خودم خرید شخصی را انجام می‌دهم و می‌بینم که هر روز یک قیمت بر اجناس وجود دارد؛ این زجر و مشکلات مردم را خودم لمس می‌کنم و اینجور نیست فقط گزارش بگیرم، بلکه خودم به درون بازار می‌روم



گزارش «وطن امروز» از طرح شفاف‌سازی فعالیت‌های نمایندگان در خانه ملت

مجلس شفاف می‌شود؟

متری چند در این وانفسای متر تو متر حساب کرده‌ای؟ جوان مردم در شهرستان حال نمی‌کند با حوزه هنری! زور دلسوزها هم نمی‌رسد مثل شما که بروند و هر مسؤولیتی که دل‌شان می‌خواهد بگیرند یا ساختار حوزه را عوض کنند! نسبت این دلسوزها با آن جوان شهرستانی در کدام «جمع» برقرار می‌شود! درباره عمار هم همین را می‌شود گفت، و اینکه اگر این «فرماندهی محترم نیروی هوایی نویسنده‌گان» از آن بالا دقیق‌تر می‌نگریست آیا نمی‌باید به جای «عمار» نقد «فقنوس» می‌کرد که مصداق اتم موازی‌کاری با «سپهر» است و اتفاقاً زاید و محصول حمایت همان حوزه محترم هنری مدنظر ایشان؟

نوشته امیرخانی عزیز که دعوت به انحصار در قالب‌های مرسوم می‌کند، چگونه می‌تواند عنوان فرهنگی به خود بگیرد؟ در روستایی نه حوزه هنری هست، نه دفتر ارشاد هست، نه نمایندگی نیروی هوایی نویسنده‌گان. با منطق نوشته آقا رضا، ایشان سهمی از فرهنگ ندارند، چون جزو دسته و گروه حوزه یا ارشاد نیستند. جسارت اگر نباشد به نویسنده محترم قیدار، آدم یاد ماجرای حزب رستاخیز می‌افتد که می‌گفتند: «هر کسی نمی‌خواهد عضو حزب شود پاسپورتش را بگیرد و از مملکت برود.»

با همه اینها برای من البته واضح و مبهر من است که برای امیرخانی از همان ایام که تعبیر «بهادهای هشتادوهستی» را درست کرد، سوءتفاهم پیش آمده. در طرف مقابلش عیب و نقص کم نیست. نهادسازی‌های شکست خورده هم کم نیست اما مصادیق امیرخانی کمی متأثر از سوءتفاهم‌های شخصی است. طرف مقابل امیرخانی، بر فرض در نسبت با او در محتوا و اندیشه، فقر هم داشته باشد اما امیرخانی که خود دست به عصا وارد میدان عمل شده در این همه مدت، چگونه ایقندر با قاطعیت نقد «عملکرد» می‌کند؟

من اگر جای دوستان نقدشده توسط امیرخانی باشم، یک روز صبح کت و شلوار می‌پوشم، با دسته گل و شیرینی زنگ خانه امیرخانی را می‌زنم. وقتی برسید کیه؟ پاسخ می‌دهم: در رو باز کن، یکبار ما را ببین. کسانی که به آنها نقد داری را از نزدیک تماشا کن و با آنها حرف بزنی! نام‌نگاری در سال هجدهم قرن ۲۱ دردی از که دوا می‌کند؟ البته می‌دانم حکایت دوستان با امیرخانی حکایت همان بیت سعدی است: هزار نوبت اگر خاطر من بشورانی از این طرف که منم همچنان صفایی هست

حضور فرماندهی محترم نیروی هوایی نویسنده‌گان

سلام علیکم! سوءتفاهم شده

محمدرضا کردلو

می‌آمد؟! درست است که مومن در هیچ چارچوبی نمی‌گنجد ولی مگر نه حدیث است که چنان که دوست داری با تو رفتار کنند، رفتار کن؟

ماجرای نام‌نگاری‌هایش و محاجه بدون سلام و والسلاش با مجمع ناسران و غیره بعد از این قضایا پیش آمد تا نامه دوم نگاشته شد. نامه‌ای که بشدت رسانه‌زده است و البته مشحون از مباحثی که ربط دادن گناه آهنگر بلخی است به مسگر شوشتری!

مجمع ناسران، شهرستان ادب، جشنواره عمار... هیچ کدام از تیر انتقاد رسانه‌زده حضرت امیرخانی مصون نمانده‌اند و همه متهم‌اند به موازی‌کاری با نهاد فرهیخته‌های چون حوزه هنری! من البته بعد از خواندن نامه امیرخانی خیال کردم که او مدتی در خارج تشریف داشته و سری به حوزه هنری نزده. کار به فعالیت‌های مؤثر حوزه هنری ندارم اما شرط می‌بندم خود امیرخانی تا آخر عمرش نخواهد توانست کار مؤثر و درست و درمانی با این حوزه هنری و با این ساختار فعلی انجام دهد، مگر برای روکم کنی این نوشته خواهد این کار را بکند! (مزاح).

منتقد موازی‌کاری هم هستم و نمی‌پسندم که کسی در راسته انقلاب برای خودش علم و کت و دکان درست کند! ایضا همین حوزه هنری سال‌ها در ادبیات و هنر پرچمداری کرده و کسی نمی‌تواند منکر خدماتش باشد. لکن خیلی باید کنگر باشی که این جشنواره عمار و شهرستان ادب و مجمع ناسران را مصداق موازی‌کاری بخوانی. نوشته کار مؤثر فرهنگی این است که بروی و وزیر ارشاد بشوی!

به قول مجری خنداننده شو، سوال پیش می‌اد: براسستی امیرخانی در کدام آرمانشهر زندگی می‌کند؟! اگر در آرمانشهر زندگی می‌کند چرا نتیجه‌اش می‌شود شهر برعکس! (رهش). یا مثلا گفته اید تقریظ نادرست و ضدانقلابی... است و البته تناقضی دارد. از طرفی می‌گوید کنار حوزه هنری دکان موازی درست نکنید و از طرف دیگر متولی عمده این مباحث تقریظ را اشتباهی گرفته. یا مثلا با نقد به تاسیس شهرستان ادب می‌گوید: «تو مطمئن بود که برپاکنندگان حوزه اول انقلاب، هم دل‌سوزتر بودند و هم هنرمندتر؟ متری داری برادر؟ خودت متری؟